

## وجوه بلاغت در دو قصیده ناصر خسرو

اثر: دکتر عبدالرضا سیف

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و احمد محمدی و نسرین موسی وند

برگرفته از طرح پژوهشی تحلیلی بلاغی بیست قصیده ناصر خسرو

(از ص ۵۱ تا ۶۸)

### چکیده:

ناصر خسرو شاعری بزرگ است که اشعار و آثارش در بیان کلام و فلسفه و عقاید دینی است، این شاعر بزرگ با عنصر خیال و وجوه بلاغت به اندیشه‌های دشوار کلامی و فلسفی، لباس نرم و لطیف سخن منظوم را پوشانیده است. مفاهیم عقلانی در کلام ناصر خسرو با هنرمندی او در بهره‌گیری از تشبیه و استعاره و صور خیال به وجوه و تصاویر زیبای حسی و ملموس مبدل گردیده‌اند. شور و حیات و تازگی در کلام و سخن ناصر خسرو ویژگی دیگری است که باعث ماندگاری سخن او در میان دیگر شاعران گردیده است، درباره این شاعر بزرگ می‌توان گفت هنر و خیال را با عقل و فلسفه آنچنان آمیخته است که دشواری و تکلف برای رسیدن به معنا و مفهوم کلام در سخنش وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: خیال، تشبیه، استعاره، شعر، ناصر خسرو.

## مقدمه:

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث القبادیانی البلخی المروزی مقلب به حجت از شاعران بسیار توانا و بزرگ ایران و از گویندگان درجه اول زبان فارسی است. وی در سال ۳۹۴ هجری در قبادیان از نواحی بلخ متولد شد و در سال ۴۸۱ در یمگان بدخشان درگذشت.

ناصر خسرو بعد از طی مقامات ظاهری (ادیب، دبیر فاضل و خواجه خطیر) در اندیشه تحرّی حقیقت و در این اندیشه دراز بسیاری شهرها را بگشت و با اقوام و علمای مختلف مجالست کرد. اطلاعات وسیع ناصر خسرو وسیله ایجاد آثار متعددی از آن استاد به زبان فارسی شد... وی طبعی نیرومند و سخنی استوار و قوی و اسلوبی نادر و خاص خود دارد... خاصیت عمده شعر ناصر خسرو اشتغال آن بر مواعظ و حکم بسیار است... و قدرتش در توصیف و بیان اوصاف طبیعت می باشد. توصیفاتى که او از فصول و شب و آسمان و ستارگان کرده در میان شاعران فارسی کمیابست. (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۵۴)

ناصر خسرو معروف به علوی، شاعر و نویسنده و متکلم و فیلسوف و جهانگرد واعظ و مبلغ مذهب بود و جنبه آخرین او یعنی مبلغ مذهب بودن موجب این گردیده است که او آنچه را که می گوید و می نویسد همان چیز باشد که به آن ایمان و اعتقاد دارد و این قسمت نیز او را از شاعران هم ردیف خود ممتاز می سازد. (تحلیل اشعار ناصر خسرو، مهدی محقق، ۳۱۹)

## صور خیال در شعر ناصر خسرو

خواننده‌ای که با شعر ناصر خسرو ارتباط ذهنی برقرار می کند، اگر بیش و کم با شعر دوره قبل و حتی شعر معاصران ناصر خسرو آشنایی داشته باشد، در آغاز چنین می پندارد که ناصر خسرو از نظر صور خیال شاعری چندان توانا نیست، چرا

که در نخستین دیدار، اندیشه‌های بلند و خوی آزاده و جلوه‌های تعقل و حکمت در شعر او چندان هست که مجال تجلی به صور خیال شاعرانه نمی‌دهد و این معانی بلند و طرز تفکر خاص باعث آن می‌شود که خواننده با خویش بیندیشد که در دیوان ناصر خسرو از صور خیال نشانه چندان وجود ندارد اما اگر دیوان او را، گذشته از اندیشه‌ها و تفکرات تداعیهای منطقی و شور و عاطفه خاصی که دارد، مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که در شعر او عنصر خیال، در بلندترین نقطه، در اوج قرار دارد اما از آنجا که در شعر او تفکر و عاطفه نیز در کنار عناصر خیال همواره در حرکت است مجال خودنمایی به صور خیال نمی‌رسد... برجسته‌ترین تفاوت شعر او، با شعر دیگران، از نظر عنصر خیال در دو جهت یعنی در هر دو محور خیال است. در محور عمودی خیال قصاید ناصر خسرو در سراسر این دوره، و بالطبع در تمام ادوار شعر فارسی، قوی‌ترین محور خیال به شمار می‌رود زیرا رشته تداعی و تسلسل عاطفه و اندیشه و خیال در شعر او چندان قوی است که در هر قصیده او یک خطابه بلند، با همه اوج و سرعتها و درنگ‌ها، که در یک خطبه بلیغ و استادانه وجود دارد، مشاهده می‌شود و این پیوستگی و ارتباط عاطفی و ذهنی که در طول قصاید او - یعنی در محور عمودی خیالش - دیده می‌شود، در شعر دیگران وجود ندارد. او از یک نقطه خیالی، از یک دید از طبیعت یا یک تجربه شعری آغاز می‌کند و در مسیر این دیدار یا این تجربه خود را به یک رشته تداعی‌های شاعرانه و گاه اندیشمندانه، همراه با تأثرات عاطفی حسی بسیار صمیمانه، می‌سپارد و همراه حس و تجربه و عواطف خویش بر مرکب خیال سفر می‌کند و در قصاید او به دشواری می‌توان پریشانی مضمون و از هم گسیختگی محور عمودی خیال را نشان داد. (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، ۵۵۲-۵۵۰)

نگاه هنری ناصر خسرو به دین و مذهب و فلسفه و کلام در قصایدش آنچنان بارز و نمایان است که از او فیلسوفی شاعر ساخته است.

در شعر ناصر خسرو جلوه‌های بلاغت بکار رفته و از مجازها و تشبیهات خاص قرآن هم آمده است. تشبیه و استعاره بیشترین کاربرد را در قصاید ناصر خسرو و دارند در این تحقیق، دو قصیده ناصر خسرو مورد بررسی قرار گرفته و جنبه‌های بلاغت و خیال به تفصیل بیان گردیده است.

## قصیده ۵۸

همین بود ازیرا گزین محمد	گزینم قرانست و دین محمد
یقینم شود چون یقین محمد	یقینم که من هر دوان را بورزم
حصار حصین چیست؟ دین محمد	کلید بهشت و دلیل نعیم
همین بود نقش نگین محمد	۴ محمد رسول خداست زی ما
همین بود در دل مکین محمد	مکین است دین و قرآن در دل من
یکی امت کمترین محمد	به فضل خداست امیدم که باشم
قرانست در ثمین محمد	به دریای دین اندرون ای برادر
قرانست گنج و دفین محمد	۸ دفینی و گنجی بود هر شهر را
کربابینی امروز امین محمد؟	بر این گنج و گوهر یکی نیک بنگر
به فرزند ماند آن و این محمد	چو گنج و دفینت به فرزند ماندی
نیابد مگر کز بنین محمد؟	نبینی که امت همی گوهر دین
که او بود در خور قرین محمد	۱۲ محمد بدان داد گنج و دفینش
نبودی مگر حور عین محمد	قرین محمد که بود؟ آنکه جفتش
حسین و حسن سین و شین محمد	از این حور عین و قرین گشت پیدا
بدو جهان گل و یاسمین محمد	حسین و حسن را شناسم حقیقت
کجا رست جز در زمین محمد؟	۱۶ چنین یاسمین و گل اندر دو عالم
بر این هر دوان نازنین محمد	نیارم گزیدن همی مرکسی را
دو بنیاد دین متین محمد	قران بود و شمشیر پاکیزه حیدر

که استاد با ذوالفقار مجرد  
۲۰ چو تیغ علی داد یاری قرآن را  
چو هرون ز موسی علی بود در دین  
به محشر ببوسند هارون و موسی  
عرین بود دین محمد ولیکن  
۲۴ بفرمود جستن به چین علم دین را  
ش نمودم ز میراث دار محمد  
دل دید سری که بنمود از اول  
ز فرزند زهرا و حیدر گرفتم  
۲۸ از آن شهره فرزند کو را رسیده‌ست  
نبودی ازین بیش بهره‌ی من از وی  
جهان آفرین آفرین کرد بر من  
کنون بافرین جهان آفرینم  
۳۲ توای ناصبی جز که نامی نداری  
به دشنام هر پاک فرزند او را  
مرا نیز کز شیعت آل اویم  
به دین محمد ترا کشتن من  
۳۶ به غوغا چه نازی؟ فراز آی با من  
اگر من به حب محمد رهینم  
به عیسی نرست از تو ترسا، نخواهد  
منم مستعین محمد به مشرق  
۴۰ چه داری جواب، محمد به محشر  
به هر حربگه بر یمین محمد؟  
علی بود بی شک معین محمد  
هم انباز و هم هم‌نشین محمد  
ردای علی و آستین محمد  
علی بود شیر عرین محمد  
محمد، شدم من به چین محمد  
سخنهای چون انگبین محمد  
به حیدر دل پیش بین محمد  
من این سیرت راستین محمد  
به قدر بلند برین محمد  
اگر بودمی من به حین محمد  
به حب علی و آفرین محمد  
من اندر حصار حصین محمد  
از این شهره دین وزین محمد  
بدری همی پوستین محمد  
همی کشت خواهی به کین محمد  
کجا شد حلال؟ ای لعین محمد  
به حکم کتاب مبین محمد  
تو چونی عدوی رهین محمد؟  
همی رستن این بومعین محمد  
چه خواهی از این مستعین محمد؟  
چو پیش آیدت هان و هین محمد؟

\*\*\*

## تحلیل محتوایی

گزینم قرآن است و دین محمد همین بود ازیرا گزین محمد (قصیده)  
(۵۸)

ناصر خسرو قصیده را با ردیف محمد (ص) در وصف و ستایش پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت مکرم او سروده است.

دین و قرآن، قرین و مکمل هم توصیف شده‌اند و راه بهره‌گیری از آنها دوستی و سرپرستی علی (ع) و اولادش، حسن (ع) و حسین (ع) نقل شده:

پیروی از دین پیامبر (ص) راه سعادت این جهان است و برخوردارگی از بهشت و نعمات اخروی. افتخار شاعر در عشق و ارادت به دین اسلام و رسول الله (ص) است و به خود می‌بالد در اینکه شیعه علی (ع) و آل اوست.

قرآن در گرانبهاست که ارزش آن هر روز در حال زیادت است و پادشاهان اگر چه به زر و جواهر شاهی دل خوش هستند، در برابر قیمت و اعتبار قرآن دست در دهان می‌مانند.

برای رسیدن به مفاهیم و معانی قرآن می‌باید از معلمان شریعت، پیامبر (ص) و علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) درس گرفت و علی (ع) در یاری دین و قرآن چون هارون برای موسی بود. در قیامت حتی هارون و موسی برای رسیدن به بهشت دست در دامن علی (ع) دارند.

شناخت قدر و مقام علی (ع) در یاری دین مبین و تفسیر قرآن کریم، راه شناخت پیامبر (ص) است. خداوند پیامبر (ص) و علی (ع) را ستوده است و اعتقاد به ایشان را لازمه دینداری دانسته است.

در قیامت کسی از عهده سؤال پیامبر (ص) بر می‌آید که شیعه علی (ع) و اهل بیت او بوده باشد.

سخنان پیامبر (ص) در وصف علی (ع) زینت بخش کلام شاعر است.

شاعر با پند و اندرز دشمنان شیعیان، آنانرا از لعن و کشتار شیعه علی (ع) بر حذر می‌دارد.

عزین بود دین محمد ولیکن علی بود شیر عزین محمد

## تحلیل بلاغی

وزن: فعولن فعولن فعولن فعولن

بحر: متقارب مثنی سالم

۱- گزین، همین، دین ← سجع مطرف، محمد، دین محمد و قرآن ← مراعات

نظیر

واج آرائی با حرف «ن» تکرار کلمات «گزین»، «قران» و «محمد»

۲- سه بار تکرار کلمه «یقین» سه مرحله یقین: علم یقین، عین یقین، حق

یقین

دوان، یقین ← سجع متوازی.

۳- کلید، دلیل، حصین ← سجع متوازن. تشبیه دین به کلید و دلیل و حصار.

بهشت، نعیم ← مراعات نظیر

۴- نگین، همین ← سجع متوازی. نگین محمد اشاره است به خاتم الانبیایی او.

ردّ العجز الی الصدر در استعمال کلمه «محمد» در ابتدا و انتهای بیت

۵- تکرار کلمه «مکین». قرآن، دین، محمد ← مراعات نظیر

واج آرائی با حرف «ن»

۶- واج آرائی با حرف «الف» در مصرع اول

محمد، امیدم ← سجع متوازن

۷- دریای دین ← اضافه تشبیهی (اضافه مشبه به به مشبه)

واج آرائی با حرف «ر»

تشبیه بلیغ در مانند کردن قرآن به درّ ثمین (وجه شبه وادات تشبیه محذوفند)

۸- تشبیه بلیغ قرآن به گنج و دفین

تشبیه مضمّر محمد (ص) به شاه

گنج، دفین، شاه ← مراعات نظیر

۹- واج آرائی با حروف «گ» و «ر» در مصرع اول

این، امین ← سجع مطرف و جناس زائد گنج و گوهر استعاره از قرآن

۱۰- تکرار کلمه «فرزند»

ماند، ماندی ← جناس مذیل تشبیه گنج و زمین و آن و این به فرزند

۱۱- گوهر دین ← اضافه تشبیهی (اضافه مشبه به به مشبه)

نبینی، نبین ← شبه اشتقاق

۱۲- دفین، قرین ← سجع متوازی

رد العجز الی الصدر در استعمال کلمه «محمد» در ابتدا و انتهای بیت

۱۳- حور، عین ← سجع متوازن

حور عین ← استعاره از وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (س)

کل بیت اشاره به وجود مبارک حضرت علی (ع) دارد.

۱۴- واج آرائی با حرف «س»

سین، شین ← مراعات نظیر، سجع متوازی حورعین و قرین استعاره از حضرت

فاطمه زهرا (س)

۱۵- تشبیه مضمّر وجود مبارک حضرت امام حسین (ع) به گل و حضرت امام

حسن (ع) به یاسمن

۱۶- عالم، اندر ← سجع متوازن

محمد، حقیقت ← سجع متوازن

یاسمین، گل، رست، زمین ← مراعات نظیر



- ۱۷- واج آرائی با حرف «ر» تشبیه تفضیل
- ۱۸- واج آرائی با حرف «د» در مصرع دوم
- ۱۹- اشاره به وجود مبارک حضرت علی (ع) - ذوالفقار تلمیح به حدیث «لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار»
- ۲۰- تکرار کلمه «علی»
- علی، یاری ← سجع مطرف قرآن، معین ← سجع متوازن
- ۲۱ و ۲۲- تلمیح به ماجرای هارون و موسی (ع) و جانشینی هارون برای موسی (ع)
- تشبیه وجود مبارک علی (ع) به هارون و حضرت محمد (ص) به موسی (ع)
- واج آرائی با حرف «ه» در مصرع دوم بیت ۲۱
- ۲۳- تکرار کلمه «عرین» و «محمد»
- شیر، عرین ← مراعات نظیر
- ۲۴- تلمیح به حدیث نبودی «اطلبوا العلم ولو بالصین»
- علم را فراگیرید هر چند که در چین باشد.
- تکرار کلمه «چین» چین استعاره از امام علی (ع) با توجه به حدیث (انامدینه العلم و علی بائها)
- چین، دین ← سجع متوازی
- ۲۵- تکرار کلمه «محمد»
- شنودم، محمد ← سجع متوازی میراث دار محمد استعاره از امام علی (ع)
- ۲۶- واج آرائی خفیف با حرف «د»
- دل، دلم ← جناس مذیل دلم دید = استعاره مکنیه (تشخیص)
- دل، سر ← مراعات نظیر
- ۲۷- واج آرائی خفیف با حرف «ر»

- زهرا، حیدر، محمد ← مراعات نظیر  
زهرا، حیدر ← سجع متوازن  
۲۸- برین، بلند ← سجع متوازن  
۲۹- نبودی، بودی ← اشتقاق (جناس زاید)  
۳۰- تکرار کلمه «آفرین»  
واج آرائی با حرف «ن»  
۳۱- واج آرائی با حرف «ن» حصار و حصین ← شبه اشتقاق  
۳۲- دین، وزین ← سجع مطرف، ناصبی، نامی، نداری ← سجع مطرف  
۳۳- واج آرائی خفیف با حرف «م» پوستین دریدن کنایه از بدگویی و غیبت کردن  
است.

- ۳۴- شیعت، آل، محمد ← مراعات نظیر  
کین، اوی ← سجع متوازن  
۳۵- تکرار کلمه «محمد» - استفهام انکاری  
لعین، دین ← سجع مطرف  
۳۶- کتاب، حکم، مبین ← مراعات نظیر  
۳۷- رهین، رهینم ← جناس مذیل  
تکرار کلمه «محمد»  
۳۸- واج آرائی با حرف «س»  
نرست، رستن ← اشتقاق  
نرست، ترسا ← شبه اشتقاق - تلمیح به آیه ۶ سوره صف که عیسی (ع) آمدن  
پیامبر اسلام را بشارت می دهد.  
۳۹- تکرار کلمه «مستعین»  
واج آرائی با حرف «م»

۴۰- هان، هین ← سجع متوازی - هان و هین تلمیح به آیه ۸ سوره تکاثر (که از نعمتهای الهی از شما سؤال می شود) که منظور از نعمت، ولایت پیامبر و اهل بیت است.

تکرار کلمه «محمد»

## قصیده ۸۵

بهار دل دوستدار علی	همیشه پرست از نگار علی
دل زو نگارست و علم اسپرم	چنین واجب آید بهار علی
بچن هین گل، ای شیعت و خسته کن	دل ناصبی را به خار علی
۴ از امت سزای بزرگی و فخر	کسی نیست جز دوستدار علی
ازیرا کز ابلیس ایمن شده ست	دل شیعت اندر حصار علی
علی از تبار رسولست و نیست	مگر شیعت حق تبار علی
به صد سال اگر مدح گوید کسی	نگوید یکی از هزار علی
۸ به مردی و علم و به زهد و سخا	بنازم بدین هر چهار علی
ازیرا که پشتم ز منت به شکر	گرانست در زیر بار علی
شعار و دثارم ز دینست و علم	هم این بد شعار و دثار علی
تو ای ناصبی خامش ایرا که تو	نه ای آگه از پود و تار علی
۱۲ محل علی گر بدانی همی	ببیندیشی از کار و بار علی
مکن خویشان مار بر من که نیست	ترا طاقت زهر مار علی
ببی دانشی هر خسی را همی	چرا آری اندر شمار علی؟
علی شیر نر بود لیکن نبود	مگر حربگه مرغزار علی
۱۶ نبودی در این سهمگن مرغزار	مگر عمر و عنتر شکار علی
یکی ازدها بود در چنگ شیر	به دست علی ذوالفقار علی

سه لشکر شکن بود با ذوالفقار  
سران را در افگند سر زیر پای  
۲۰ نبود از همه خلق جز جبرئیل  
به روز هزاهز یکی کوه بود  
چو روباه شد شیر جنگی چو دید  
همی رشک برد از زن خویش مرد  
۲۴ گر از غارت دیو ترسی همی  
به غار علی در نشد کس مگر  
ز علمست غار علی، سنگ نیست  
نبینی به غار اندرون یکسره  
۲۸ نبارد مگر زابسر تاویل قطر  
نبود اختیار علی سیم و زر  
شریعت کجا یافت نصرت مگر  
ز کفار مکه نبود ایچ کس  
۳۲ سر از خس برون کرد نارست هیچ  
همیشه ز هر عیب پاکیزه بود  
گزین و بهین زنان جهان  
حسین و حسن یادگار رسول  
۳۶ بیامد به حرب جمل عایشه  
بریده شد ابلیس را دست و پای  
از آتش نیابند زهار کس  
که افگند نام از بزرگان حرب  
۴۰ به بدر و احد هم به خیر نبود

یمین علی با یسار علی  
سر تیغ جوشن گذار علی  
به حرب حنین نیزه دار علی  
شکـیبا، دل بر دبار علی  
قوی خنجر شیر خوار علی  
گه حمله مردوار علی  
در آمدت باید به غار علی  
به دستوری کاردار علی  
نشاید به سنگ افتخار علی  
سرای و ضیاع و عقار علی  
بر اشجار و بر کشتزار علی  
که دین بود و علم اختیار علی  
ز بازوی خنجر گزار علی؟  
بدل ناشده سوکوار علی  
کس اندر همه روزگار علی  
زبان و دو دست و ازار علی  
کجا بسود جز در کنار علی؟  
نبودند جز یادگار علی  
بر ابلیس زی کارزار علی  
چو بانگ آمد از گیرودار علی  
چو نایند در زینهار علی  
مگر خنجر نامدار علی؟  
مگر جستن حرب کار علی

پس آنک او به بنگاه می پخت دیگ  
شتربان و فراش با دیگ پز  
سوارى که دعوى کند در سخن  
۴۴ اگر ناصبی گوش دارد ز من  
به حجت به خرطومش اندر کشم  
و گر سر بتابد بسی دانشی  
نیاید به دشت قیامت مگر  
به هنگام خور بود یار علی  
نبودند جز پیشکار علی  
بیا، گو، من اینک سوار علی  
نکو حجت خوش گوار علی  
علی رگم او من مهار علی  
ز علم خوش بسی کنار علی  
سیه روی و سر پر غبار علی

## تحلیل محتوایی

بهار دل دوستدار علی  
ناصر خسرو قصیده را بار دیف علی (ع) مولای متقیان سروده است و نهایت و شور و عشق و ارادت و اعتقاد خود را به آن امام بیان داشته است. در مدح و ستایش امام علی (ع) با استفاده از قرآن و سخنان پیامبر (ص) و احوال و آثار امام، داد سخن داده است. همه چیز و همه کس شیعیان را علی (ع) می داند، چرا که امام علی (ع) هم از خاندان پیامبر (ص) است و هم برادر دینی و یاور و داماد او. در نبردهای بدر و احد و حنین و دیگر نبردهای اسلام، علی (ع) جلودار بوده است و دلاوریهای یاریگر پیامبر (ص) و اسلام.

امام علی (ع) در جوانمردی و علم و زهد و سخاوت سر آمد مردان خداست. قدر امام را خدا می داند و پیامبر (ص) و جبرئیل، نه دیگران.

ذوالفقار علی (ع) کفار مکه و دشمنان اسلام را نابود کرد و علم علی (ع) جهل و نادانی بیخردان را. دو یادگار امام علی (ع) پسران او حسن (ع) و حسین (ع) می باشند که امامان شیعه اند و افتخار اهل دین.

دشمنان امام (ع) چه خارجی و چه داخلی از شأن و مقام او نادان و بی خبرند. در

قیامت کسی رهایی می یابد که قدر و حکم علی (ع) را دانسته و اطاعت کرده باشد.

## تحلیل بلاغی

وزن: فعولن فعولن فعولن فعل

بحر: متقارب مثنی محذوف

۱- تکرار کلمه «علی»

بهار، نگار ← سجع متوازی - مراعات نظیر

۲- چنین، بهار ← سجع متوازن

۳- بچین، گل، خار، خسته ← مراعات نظیر

کل بیت کنایه از تلاش یاران حضرت علی (ع) برای مقابله با ناصبیان است.

۴- علی، کسی ← سجع متوازی

واج آرائی با حرف «س»

۵- واج آرائی با حرف «الف» - تلمیح به حدیث معروف امام رضا (ع) (ولایة

علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی)

حصار، ایمن ← مراعات نظیر

۶- واج آرائی با حرف «س» در مصرع اول

تکرار کلمه «تبار»

رد العجز الی الصدر در تکرار کلمه «علی» در ابتدا و انتهای بیت

۷- کسی، علی، یکی ← سجع متوازی

گوید، نگوید ← اشتقاق - تضاد

۸- مردی، علم، زهد، سخا ← تنسیق الصفات

زهد، علم ← سجع متوازن مردی، سخا ← سجع متوازن

۹- پشتم، منت ← سجع متوازن

- شکر، بار، زیر ← سجع مطرف  
پشت، گران، بار ← مراعات نظیر
- ۱۰- شعار، دثار ← تضاد - سجع متوازی، کنایه از فکر و عمل.  
تشبیه مضمّر، دین به شعار و علم به دثار  
تکرار کلمات «شعار» و «دثار»
- ۱۱- پود، تار ← سجع متوازی - مراعات نظیر، کنایه از علم و عمل.  
واج آرائی با حرف «الف»
- ۱۲- تکرار کلمه «علی»  
رد العجز الی الصدر در تکرار کلمه «علی»، کار و بار ← سجع متوازی.  
همی، علی ← سجع متوازی  
۱۳- تکرار کلمه «مار»  
مار، زهر ← مراعات نظیر. زهرمار کنایه از ضربت شمشیر.  
مکن، علی ← سجع متوازن
- ۱۴- خسی، علی، همی ← سجع (متوازی)
- ۱۵- رد العجز الی الصدر در استعمال کلمه «علی» در ابتدا و انتهای بیت  
تشبیه مضمّر مرغزار به میدان نبرد. تلمیح به اسدالله.
- ۱۶- واج آرائی با حرف «ر» در مصرع دوم  
۱۷- تشبیه مرکب در بیت وجود دارد.  
قرار گرفتن ذوالفقار در دست علی (ع) به گرفتار شدن ازدها در چنگال شیر تشبیه شده است.
- (ذوالفقار به ازدها و علی (ع) به شیر تشبیه شده است)
- ۱۸- تکرار کلمه «علی»  
یمین، یسار ← مراعات نظیر - سجع متوازن

۱۹- تکرار کلمه «سر»

سر، سران ← جناس مذیل

تیغ، جوشن - سر، پا ← مراعات نظیر

زیر، تیغ ← سجع متوازن

۲۰- خلق، حرب ← سجع متوازن

حرب، نیزه‌دار ← مراعات نظیر، تلمیح به شجاعت علی (ع) در غزوه حنین و یاری فرشتگان.

۲۱- تشبیه مفصل در مانند کردن دل به کوه (ادات تشبیه حذف شده است)

۲۲- تکرار کلمه «شیر»

قوی، علی ← سجع متوازی

روباه، شیر ← مراعات نظیر

۲۳- مرد، مردوار ← جناس زاید (مذیل)، اشاره به دلاوریهای علی (ع) در

غزوه‌ها و جنگ‌های اسلام.

۲۴- غار، غارت ← جناس مذیل، غار علی کنایه از ولایت و علم او.

ترسی، باید ← سجع متوازن

۲۵- تکرار کلمه «علی»

نشد، مگر ← سجع متوازن

واج آرائی خفیف با حرف «ر»

۲۶- تکرار کلمه «سنگ». ایهام در سنگ.

۲۷- واج آرائی با حرف «ع» در مصرع دوم

سرای، ضیاع، عقار ← مراعات نظیر - سجع متوازن

۲۸- ابر تأویل ← اضافه تشبیهی

اشجار، کشتزار، ابر، قطر ← سجع مطرف - مراعات نظیر



- ۲۹- تکرار کلمات «علی» و «اختیار»  
تشبیه مضمّر دین و علم به سیم وزر
- ۳۰- نصرت، خنجر ← سجع متوازن  
مگر، گزار، خنجر ← سجع مطرف
- ۳۲- واج آرائی با حرف «س» و «ر»  
برون، علی ← سجع متوازن
- ۳۳- زبان، دست ← مراعات نظیر  
زبان، ازار ← سجع متوازن
- ۳۴- گزین، بهین ← سجع متوازی  
مصرع دوم کنایه از وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (س)
- ۳۵- تکرار کلمه «یادگار»
- ۳۶- تلمیح به ماجرای جنگ جمل که با فرماندهی عایشه اداره می شد.
- ۳۷- دست، پای ← مراعات نظیر  
پای، دست، دار ← سجع متوازن
- ۳۸- زینهار، زینهار ← اشتقاق
- ۳۹- حرب، نام ← سجع متوازن  
واج آرائی با حرف «ر» در مصرع دوم
- ۴۰- بدر، احد، خیر ← مراعات نظیر در استعمال اسامی غزوه‌ها
- ۴۱- بنگاه، هنگام ← سجع متوازن
- ۴۲- شتربان، دیگ بان، فراش ← مراعات نظیر
- ۴۳- سوار، سواری ← جناس مذیل
- ۴۴- علی، علی ← جناس تام، خرطوم، رخم ← ایهام ترجمه
- ۴۵ و ۴۶- تکرار کلمه «سر»، سر، روی ← مراعات نظیر

## نتیجه:

همراهی اندیشه و مفاهیم کلامی و فلسفی با عنصر خیال و وجوه بلاغت در شعر ناصر خسرو ویژگی مهم و هنرمندانه این شاعر بزرگ است. فکر و اندیشه با عاطفه و احساس گره خورده و دنیایی زیبا و منحصر در کلام و سخن ناصر خسرو پدید آورده است.

## منابع:

- ۱- قرآن مجید: ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۲- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، ۵ جلدی، به اهتمام دکتر محمد معین، ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۲
- ۳- تجلیل، جلیل: معانی بیان، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۶۵.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ۱۴ جلدی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۶۶، تهران.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، گزیده غزلیات شمس، انتشارات جیبی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۷- صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۷.
- ۸- محقق، مهدی: تحلیل اشعار ناصر خسرو، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- ۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۶ جلد، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- ۱۰- منصور، جهانگیر: دیوان ناصر خسرو، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۱- محقق، مهدی و مجتبی مینوی: دیوان اشعار ناصر خسرو، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۱۲- همایی، جلال‌الدین: فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۱۳- یاحقی، دکتر محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، پژوهشگاه علوم انسانی و سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.